



The Role of the Government in the Regulatory Pricing of Goods and Services; a Comparative Economic Jurisprudential Study

Seyed Ahmad Golzai¹, Saeed Nazari Tavakoli^{2*}

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:137-152

Article history:

Received:26 Jan 2025

Edition: 13 Mar 2025

Accepted:19 Apr 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Government, Regulated Pricing, Goods, Services, Islamic Jurisprudence, Economics.

Corresponding Author:

Saeed Nazari Tavakoli

Address:

Iran, Tehran, University of Tehran, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0002-6398-521X

Tel:

02161111

Email:

Sntavakkoli@Ut.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The existence of two perspectives on market management based on the supply and demand system (competitive market) or government regulations (non-competitive market) has led prominent economists to raise the issue of government intervention in the pricing of goods and services. Jurists have also referred to the issue of "exchange" in the discussion of hoarding, which can be very close to command pricing, assuming that hoarding is transferred to other cases. The purpose of this research is to examine the effectiveness of jurisprudential theories related to the permissibility or non-permissibility of "exchange" in solving one of the important economic issues.

Materials and Methods: This research was conducted using a descriptive-analytical method and based on library sources. Jurisprudential and economic sources related to command pricing were examined and, in a comparative study, the degree of convergence between the opinions of economists and the opinions of Muslim jurists was explained.

Ethical Considerations: In this article, while adhering to the principles of ethics in research, fidelity in quoting materials from sources and the authenticity of sources have been taken into account.

Findings: Economists have two views on the issue of "mandatory pricing of goods and services" and government intervention in it: a market based on the "supply and demand" system or a free market, and as a result, pricing is incorrect, and a market based on a command economy in which the government plays a fundamental role in determining the price of goods. Muslim jurists have also referred to the issue of "exchange" in the discussion of hoarding, and a group of jurists consider exchange and pricing by the ruler to be obligatory; on the other hand, some jurists have not considered exchange permissible and have left pricing to the owner of the goods, although the ruler can force the owner of the goods to sell his hoarded goods.

Conclusion: The subject of *tasir* is the pricing of food items that are hoarded by the owner and not sold in the market. When used as a "tool for refining the context," this term can include hoarding of non-food items and pricing of goods in situations other than hoarding. "Leaving the non-pricing to God" in the words of religious leaders refers to leaving the determination of prices to the market and accepting the supply and demand system in pricing, and is therefore in line with the views of economists who oppose pricing. In addition, the only way to prevent sellers from defrauding buyers is not for the government to set prices for goods and services.

Cite this article as:

Nazari Tavakoli, S; Golzai, S-A. *The Role of the Government in the Regulatory Pricing of Goods and Services; a Comparative Economic Jurisprudential Study*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



نقش دولت در قیمت‌گذاری دستوری کالا و خدمات؛ مطالعه تطبیقی فقهی اقتصادی

سیداحمد گلزی^۱، سعید نظری توکلی^{۲*}

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: وجود دو دیدگاه در اداره بازار براساس نظام عرضه و تقاضا (بازار رقابتی) یا مقررات دولتی (بازار غیررقابتی)، سبب طرح مسئله دخالت دولت در قیمت‌گذاری کالا و خدمات توسط اقتصاددانان برجسته شده است. فقها نیز در بحث احتکار، به مسئله «تسعیر» اشاره کرده که می‌تواند بر فرض عبور از احتکار به دیگر موارد، نزدیکی زیادی با قیمت‌گذاری دستوری داشته باشد. هدف از این پژوهش، بررسی میزان کارآمدی نظریات فقهی مرتبط با جواز یا عدم جواز «تسعیر»، در حل یکی از مسائل مهم اقتصادی است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و به استناد منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. منابع فقهی و اقتصادی مرتبط با قیمت‌گذاری دستوری بررسی و در یک مطالعه تطبیقی، میزان همگرایی نظرات اقتصاددانان و آرای فقهای مسلمان تبیین شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله ضمن پایبندی به اصول اخلاق در پژوهش، امانت‌داری در نقل مطالب از منابع و اصالت منابع مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها: اقتصاددانان در مسئله «قیمت‌گذاری دستوری کالا و خدمات» و دخالت دولت در آن، دو دیدگاه دارند: بازار مبتنی بر نظام «عرضه و تقاضا» یا بازار آزاد و در نتیجه، نادرستی قیمت‌گذاری و بازار مبتنی بر اقتصاد دستوری که دولت نقش اساسی در تعیین قیمت کالاها دارد. فقهای مسلمان نیز در بحث احتکار به مسئله «تسعیر» اشاره کرده، گروهی از فقها تسعیر و قیمت‌گذاری توسط حاکم را امری واجب می‌دانند؛ دربرابر، برخی از فقها، تسعیر را جایز ندانسته و قیمت‌گذاری را به خود صاحب کالا واگذار کرده‌اند، هرچند حاکم می‌تواند صاحب کالا را وادار به فروش کالاها یا احتکاری خود کند.

نتیجه: موضوع تسعیر، قیمت‌گذاری درباره مواد خوراکی است که توسط مالک احتکار شده و در بازار فروخته نمی‌شود. این واژه در صورت استفاده از «بازار تنقیح مناط» قابلیت دارد تا احتکار کالاها یا غیر خوراکی و قیمت‌گذاری کالاها در وضعیت غیر از احتکار را دربرگیرد. «واگذاری امر غیر قیمت‌گذاری به خداوند» در سخنان رهبران دینی ناظر به واگذاری تعیین قیمت به بازار و پذیرش نظام عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری است و از این جهت همسو با نظر اقتصاددانان مخالف با قیمت‌گذاری می‌باشد. ضمن آن که تنها راه جلوگیری از اجحاف فروشندگان به خریداران، قیمت‌گذاری کالاها و خدمات توسط دولت (حاکم) نیست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۷-۱۵۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

دولت، قیمت‌گذاری دستوری، کالا، خدمات، فقه اسلامی، اقتصاد.

نویسنده مسئول:

سعید نظری توکلی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه علوم قضائی و خدمات دادگستری، گروه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان.

تلفن:

02161111

کد ارکید:

0000-0002-6398-521X

پست الکترونیک:

Sntavakkoli@Ut.ac.ir

۱. مقدمه

قدیمی‌ترین نظریه درباره تعیین قیمت کالا و خدمات، توسط ارسطو ابراز شده است. از نظر ارسطو، هر کالا دو نوع ارزش دارد: «ارزش استفاده» (Use Value) به معنای ارزش کالا برای مصرف طبیعی آن (مانند کفش برای پوشیدن) و «ارزش مبادله» (Exchange Value) به معنای ارزش کالا برای مبادله آن با کالایی دیگر (ارسطو، ۱۴۰۰، ۲۸-۲۹). به نظر ارسطو، قیمت کالا زمانی عادلانه است که انسان به همان اندازه که چیزی می‌دهد، چیزی دریافت کند. امروزه از این معنا به «قیمت بازار» (Market Price) یاد می‌شود (تفضلی، ۱۴۰۲، ۳۱). بر این اساس، نظریه ارسطو، پایه نظریه‌های بعدی در مورد قیمت‌گذاری است.

قیمت‌گذاری دستوری کالا توسط دولت از مسائل مورد بحث در علم اقتصاد است که تأثیر زیادی در معیشت افشار مختلف جامعه دارد. بیشتر اقتصاددانان، به ویژه پیروان مکتب اقتصادی لیبرالیسم (Use Value) با قیمت‌گذاری کالا توسط دولت مخالف بوده، بر این باورند که این اقدام دولت موجب اختلال در بازار می‌شود. در برابر، گروهی از اقتصاددانان دخالت دولت در امر قیمت‌گذاری را تجویز کرده و آن را برای جلوگیری از اجحاف در حق مصرف‌کنندگان، لازم دانسته‌اند.

قیمت‌گذاری کالا توسط دولت (حکومت)، مورد توجه فقهاء نیز قرار گرفته و با عنوان «تسعیر» و در بحث «احتکار» به آن پرداخته‌اند. بررسی متون فقهی نشان می‌دهد شیخ مفید (متوفای ۴۱۳هـ) نخستین فقیه امامی است که مسئله تسعیر را مورد بحث قرار داده است (مفید، ۱۴۱۳، ۶۱۶).

قانونگذار ایران نیز در مواد ۲ و ۱ قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷)، مقرر می‌دارد: ماده (۱) با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت‌گذاری و ضوابط توزیع، متخلفین از اجرای مقررات بر اساس مواد این قانون تعزیر می‌شوند؛ ماده (۲) گرانفروشی عبارتست از عرضه کالا یا خدمات به بهای بیش از نرخ‌های تعیین شده توسط مراجع رسمی بطور علی الحساب یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد. پس از تصویب قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۷۳)، سازمان تعزیرات حکومتی برای این منظور تأسیس شد. اهمیت مسئله قیمت‌گذاری دستوری در سیاست‌های کلان اقتصادی و قانونگذاری و وابستگی قوانین داخلی ایران بر آموزه‌های فقه اسلامی سبب می‌شود تا بررسی فقهی مسئله قیمت‌گذاری دستوری از اهمیت زیادی برخوردار شود.

در پژوهش حاضر که با هدف تبیین مشروعیت قیمت‌گذاری در فقه اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با دیدگاه‌های اقتصادی انجام شده است، در صدد پاسخگویی فقهی به دو پرسش درباره مبانی مشروعیت دخالت دولت در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، همچنین میزان همسویی آن با مبانی اقتصادی هستیم.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

ملاحظه اخلاقی خاصی وجود ندارد.

۴. یافته‌ها

نظریه تعیین قیمت کالا و خدمات بر اساس مدل «عرضه - تقاضا»، مورد پذیرش بسیاری از اقتصاددانان است؛ هرچند قیمت‌گذاری دستوری و دخالت دولت در تعیین قیمت کالا و خدمات نیز طرفدارانی دارد. از سوی دیگر، فقهای مسلمان نیز «تسعیر» و دخالت حاکم اسلامی در قیمت‌گذاری را از آن جهت که مخالف با مالکیت اشخاص و ناسازگار با اصل اعتبار اراده خریدار و فروشنده در تعیین قیمت است، نامشروع می‌دانند.

۵. بحث

تحلیل فقهی مسئله «مشروعیت قیمت‌گذاری دستوری کالا و خدمات»، وابسته به بررسی مفهومی، موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی است.

۵-۱. مفهوم‌شناسی

واژگان زیر نیازمند بررسی مفهومی هستند:

۵-۱-۱. کالا: واژه «کالا» در زبان فارسی به معنای «مطلق اسباب و اثاث» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۲، ۱۸۰۶۹). معادل آن در زبان عربی، واژه «السَّلْعَةُ» است که در متون لغوی و فقهی به «تجارت» تعریف شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱، ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲، ۹۴). اقتصاددانان واژه «Goods» را به «چیزی که نیاز انسان را برآورده می‌کند» تعریف کرده‌اند (مارشال، ۱۹۶۱، ۵۴). شاخصه تفکیک «کالا» از «خدمات» نیز قابل حمل و نقل بودن کالا است (دیردروف، ۲۰۰۶).

۵-۱-۲. خدمات: واژه «خدمت» در فارسی به معنای «انجام عملی از سر دلسوزی» یا «انجام عمل نیک در حق کسی» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶، ۹۵۹۲). این واژه در زبان عربی به معنای «کار کردن برای دیگری» به کار می‌رود (فیومی، ۱۴۱۴، ۱۶۵). فقهاء نیز آن را به همین معنا استعمال کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۸، ۲، ۲۳۷). واژه

«Service» در دانش اقتصاد، عبارت است از: «عمل یا استفاده‌ای که مصرف‌کننده، شرکت یا دولت، حاضر به پرداخت هزینه آن است» (مک‌کانل، برو و فلین، ۲۰۰۹، ۲۵).

۵-۱-۳. قیمت: واژه «قیمت» در زبان فارسی به معنای «ارزش هر چیزی» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۲، ۱۷۸۴۷۷). معادل عربی آن (سعر) در زبان عربی به معنای «ثمن کالا به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۵، ۲۳۳ و ۱، ۲۳۹). در ادبیات فقهی نیز همین معنا مورد توجه فقهاء است (علامه حلی، ۱۴۳۲، ۱، ۳۵۲؛ عاملی، ۱۴۱۹، ۱۳، ۵۵۱). واژه «price» در علم اقتصاد به معنای «مقدار پرداخت یا جبرانی است که یک طرف در ازای کالا یا خدمات از طرف دیگر انتظار دارد، مطالبه می‌کند یا دریافت می‌کند» (شیندلر، ۲۰۱۲، ۱-۳).

۵-۱-۴. قیمت‌گذاری دستوری: واژه «Price Controls» در اقتصاد به معنای «تعیین سقف یا کف قیمت کالاها یا خدمات از سوی دولت» به کار می‌رود (منکیو، ۲۰۱۲، ۱۱۴). واژه پیشنهادی برای قیمت‌گذاری دستوری، «تسعیر» به معنای «تعیین کردن بهای کالا» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱، ۳۲۹) که می‌تواند از سوی حاکم اسلامی (دولت) یا هر شخص دیگری انجام شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴، ۳۶۵). با توجه به مفهوم لغوی ریشه این واژه، یعنی «شعله‌ور شدن و بالا رفتن آتش»، علت استفاده از این واژه برای «قیمت‌گذاری»، شباهت بالا رفتن قیمت‌ها به بالا رفتن شعله‌های آتش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲، ۲۲۱).

۵-۱-۵. دولت: واژه «دولت» در فارسی به معنای «ثروت و مال» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸، ۱۱۲۶۷) و در عربی به معنای «مقام و پیروزی» است (فیومی، ۱۴۱۴، ۲۰۳)، در ادبیات فقهی این واژه،

که پس از ورود کالا به بازار مشخص شده و مقدار آن تغییر می‌کند (تفضلی، ۱۴۰۲، ۷۹). برای تعیین قیمت بازاری کالا، دو شیوه وجود دارد: تعیین قیمت توسط بازار و تعیین قیمت با دخالت دولت. آدام اسمیت (Adam Smith) به عنوان یکی از نظریه‌پردازان مکتب کلاسیک، معتقد است قیمت کالا با میزان رنج و زحمتی که برای تولید آن کالا تحمل شده، برابری دارد و این قیمت، «قیمت حقیقی» (Real Price) آن کالا است. از نظر اسمیت، قیمت حقیقی کالا، مقداری است که شخص حاضر است پرداخت کند تا از رنج و زحمت برای به دست آوردن یا تولید آن کالا، معاف شود. اسمیت قیمت دیگری به نام «قیمت اسمی» (Nominal Price) نیز معرفی می‌کند که به معنای مقدار پول پرداخت شده برای کالا است که همیشه با قیمت حقیقی برابر نیست. قیمت حقیقی کالا از نظر اسمیت همواره ثابت است، اما قیمت اسمی با توجه به نوسان ارزش طلا یا نقره تغییر می‌کند (اسمیت، ۱۷۷۶، ۱، ۲۸). در رویکرد امروزی اقتصاد، قیمت کالا بر اساس «عرضه و تقاضا» در بازار تعیین می‌شود. در این دیدگاه، «بازار» به «مجموعه‌ای از خریداران و فروشندگان یک کالا یا خدمت اطلاق می‌شود» که رقابتی (با فروشندگان متعدد) یا انحصاری (با یک فروشنده خاص) است (منکیو، ۲۰۱۲، ۶۱).

در اقتصاد اثباتی، «تقاضا» به عواملی مانند قیمت کالا، درآمد خریداران، قیمت سایر کالاها، سلیقه و انتظارات، وابسته است؛ در حالی که «عرضه» به هزینه تولید، فناوری و انتظارات بستگی دارد. تعادل بازار زمانی برقرار می‌شود که قیمت برای هر دو طرف منصفانه باشد. تغییر در عرضه یا تقاضا بر این تعادل اثر می‌گذارد؛ افزایش تقاضا نسبت به عرضه، موجب افزایش قیمت و سود

کاربرد خاصی ندارد، به جای آن، از دو واژه «حاکم» (مفید، ۱۴۱۳، ۶۹۸) یا «سلطان» استفاده می‌شود (علامه حلی، ۱۴۳۲، ۱، ۵۲۴؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ۱، ۲۴۸). اقتصاددانان واژه «Government» را به معنای سیاسی آن، یعنی «سیستم سیاسی که با آن، کشور یا جامعه اداره و تنظیم می‌شود»، به کار برده‌اند (بروگان، ۲۰۲۴).

۵-۲. اقتصاد و قیمت‌گذاری دستوری

از یک نگاه، اقتصاد به دو گونه تقسیم می‌شود: اقتصاد اثباتی (Positive Economy) که نظریه اقتصادی را به همان صورت که هست و بدون داوری ارزشی، بررسی می‌کند و اقتصاد دستوری (Planned Economy) که بایدها و نبایدها، همچنین ابعاد ارزشی را بررسی می‌کند (تفضلی، ۱۴۰۲، ۷-۸). مکتب کلاسیک (Classical) به اقتصاد اثباتی و مکتب مارکسیسم (Marxism) به اقتصاد دستوری باور داشتند. طرفداران اقتصاد اثباتی بر این باورند که تعیین قیمت، تابع قانون عرضه و تقاضا است و تغییر هر یک از این متغیرها، موجب تغییر قیمت می‌شود، در برابر، طرفداران اقتصاد دستوری بر این باورند که دولت باید در تعیین قیمت کالاها نقش داشته باشد و با قیمت‌گذاری دستوری یا یارانه و ابزارهایی مشابه، قیمت برخی کالاها را کنترل کند (بلوآیس، ۲۰۰۵، ۱۰۳۸).

۵-۲-۱. روش‌های قیمت‌گذاری کالا و خدمات

بنا به نظریه مشهوری که بنای آن توسط ارسطو نهاده شده است، ارزش کالا دو گونه است: ۱- ارزش ذاتی کالا (Intrinsic Value) که شامل کار و هزینه بهره‌وری از زمین (ساختمان) به کار رفته برای تولید کالا بوده، همواره مقدار ثابتی است؛ ۲- ارزش بازاری کالا (Market Value)

اهداف خاص دولت است. او این مداخله را به دستکاری عقبه‌های ساعت به‌جای روغن‌کاری آن تشبیه می‌کند که باعث برهم خوردن نظم بازار می‌شود. از نظر او، رقابت تنها روش مؤثر برای بهره‌گیری از اطلاعات و مهارت‌های مردم و عقلانی‌ترین راه برای تنظیم بازار است. رقابت موجب رفتار عقلانی در بازار شده و کارایی آن را تضمین می‌کند (فون هایک، ۱۹۸۲، ۱۲۶-۱۲۸).

میلتون فریدمن (Milton Friedman) نیز در دفاع از بازار آزاد مدعی است که تاریخ جهان نشان‌گر این است که آزادی سیاسی، پیوستگی محکمی با آزادی بازار دارد و دخالت دولت در بازار، برهم‌زننده آزادی سیاسی- اجتماعی شهروندان است (فریدمن، ۲۰۰۲، ۹-۱۰).

قیمت‌گذاری دستوری خدمات که به آن «حداقل دستمزد» (Minimum Wage) نیز گفته می‌شود، عبارت است از تعیین حداقل میزان پرداختی به کارگر از سوی کارفرما توسط دولت. مخالفان حداقل دستمزد با استدلال مشابهی، مدعی هستند که دخالت دولت در تعیین حداقل دستمزد به جای کمک به کارگران کم‌درآمد، باعث بیکاری آن‌ها می‌شود. دربرابر، گروهی از اقتصاددانان براین باورند که افزایش حداقل دستمزد، به کارفرمایان انگیزه می‌دهد تا کارگران کم‌مهارت یا جوان را استخدام نکنند و به نیروی کار با مهارت‌های بالاتر تمایل پیدا کنند (فریدمن، ۲۰۰۲، ۱۸۰). درنتیجه، بهای هر خدمت (دستمزد) در بازار آن خدمت، مشخص می‌شود و نیازی به دخالت دولت نیست.

مکاتب اقتصادی مرکانتیلیسم (Mercantilism)، مارکسیسم، نهادگرایی (Institutional) و مکتب اقتصادی کینزی (Keynesian) از جمله مکاتب حامی اقتصاد دستوری هستند. استدلال مدافعان

فروشنده و کاهش تقاضا نسبت به عرضه، باعث کاهش قیمت و سود خریدار می‌شود (منکیو، ۲۰۱۲، ۶۱-۸۵). این فرآیند، فرآیند طبیعی قیمت‌گذاری یا «بازار آزاد» Free Market است که دولت دخالتی در قیمت‌گذاری ندارد و مکتب‌های اقتصادی کلاسیک، نئوکلاسیک (NeoClassical) فیزیوکراسی (Physiocracy) و لیبرالیسم پیرو آن هستند.

۵-۲-۲. موجه‌سازی اقتصادی قیمت

گذاری دستوری

لودویگ فون میزس (Ludwig Von Mises)، اقتصاددان اتریشی معتقد است مداخله دولت در قیمت‌گذاری موجب کاهش سود تولیدکننده و انبار کردن کالا می‌شود. این امر دولت را وادار به اجبار فروش ذخایر انبار می‌کند، اما کاهش دستوری قیمت، باعث پیشی گرفتن تقاضا از عرضه و ناکافی بودن کالا برای مصرف‌کنندگان شده، دولت مجبور به جیره‌بندی کالاها خواهد شد. با اتمام ذخایر و نبود سود، تولید متوقف و بازار مختل می‌گردد، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از دو طرف، از جمله دولت، سود نمی‌برند (فون میزس، ۱۹۸۵، ۷۵-۷۸).

فردریش فون هایک (Friedrich Von Hayek)، هم‌براین باور است که دخالت دولت در بازار، تنها به قیمت‌ها محدود نشده، می‌تواند نامحدود باشد. در بازار رقابتی، فرد آزاد است درآمدش را به دلخواه هزینه کند؛ اما در بازار با قیمت‌گذاری دستوری، این آزادی از بین رفته و تفاوت کیفیت کالاها و خدمات محو می‌شود، زیرا دولت در عمل نحوه هزینه‌کرد درآمد را تعیین می‌کند (فون هایک، ۲۰۰۷، ۱۲۸). به نظر هایک، مداخله دولت در قیمت‌گذاری، نه‌تنها اهداف گوناگون افراد را هماهنگ نمی‌کند، بلکه فقط به دنبال تحقق

۱۴۰۲، ۸). وی دخالت دولت در اقتصاد را در بعضی شرایط و حوزه‌ها، مجاز یا ضروری می‌داند. برای نمونه، معتقد است که دولت اجازه دارد با انجام اقداماتی، تورم را مدیریت کند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۰، ۸۷).

کینز معتقد است که نظریه کلاسیک‌ها درباره سازوکار خودکار بازار منسوخ شده، امروز بیشتر بازارها انحصاری هستند (تفضلی، ۱۴۰۲، ۴۴۹). از نظر کینز، عواملی مانند تورم و انحصار، دخالت دولت در اقتصاد را ضروری کرده، دولت می‌تواند با تغییر نرخ بهره یا قیمت‌گذاری دستوری، وضعیت اقتصادی را تعدیل کند.

شایان یادآوری است، مهار تورم همواره از دلایل توجیه قیمت‌گذاری دستوری بوده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بازار به صورت طبیعی به نفع تولیدکننده است و نه مصرف‌کننده؛ اما دولت می‌تواند با ابزارهایی مانند تغییر مالیات یا تعیین سقف قیمت، برابری اقتصادی را برقرار کند (دورسزک، کامینرز و اکبریور، ۲۰۲۱، ۱۹۶۵).

افزون بر طرفداران اقتصاد دستوری، برخی معتقدان به اقتصاد اثباتی نیز قیمت‌گذاری دولت را در مواردی تأیید کرده‌اند. برای نمونه، ادام اسمیت معتقد است که دولت باید شرایطی فراهم کند تا آموزش با هزینه اندک، در دسترس همگان باشد (اسمیت، ۱۷۷۶، ۲، ۷۵۸) و این نشانه‌ای از حمایت وی از قیمت‌گذاری دستوری در آموزش است (لاگوئردای و ورگارا، ۲۰۰۶، ۵۷۰).

آرتور پیگو (Arthur C. Pigou) نیز با بررسی مسئله قیمت‌گذاری دستوری در تجربیات دوران جنگ در انگلستان، به این نتیجه رسیده است که قیمت‌گذاری دستوری، همیشه منجر به نتایج منفی نشده، در شرایطی مثل جنگ و قحطی، قابل تجویز است (پیگو، ۱۹۴۱، ۱۱۸).

ایفای نقش دولت در اقتصاد و قیمت‌گذاری دستوری متفاوت است. مرکانتیلیست‌ها (سودا گرایان)، تجارت را اساسی دانسته و براین باورند که دولت مقتدر، باید با سیاست‌های مناسب، از جمله قیمت‌گذاری دستوری، افزایش صادرات و ذخایر طلا و نقره را تضمین کند (تفضلی، ۱۴۰۲، ۶۳-۶۸).

اقتصاد مارکسیستی با انتقاد از سرمایه‌داری و بازار آزاد، به قیمت‌گذاری دستوری تمایل دارد. مارکس پیشنهادهایی مانند الغای مالکیت خصوصی و تمرکز وسایل تولید در دست دولت، ارائه کرده است (مارکس و انگلس، ۱۹۹۸، ۵۷). در جامعه کمونیستی مطلوب مارکس، قیمت کالاها بر اساس میزان کار انجام‌شده و نه ارزش بازاری، تعیین می‌شود (تفضلی، ۱۴۰۲، ۱۹۵).

نهادگرایان که بر تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در اقتصاد تأکید دارند، قانون عرضه و تقاضا را مطلق نمی‌دانند (تفضلی، ۱۴۰۲، ۴۲۱). جان کنت گالبرایت (John Kenneth Galbraith)، ابتدا طرفدار نظارت محدود دولت بر قیمت‌ها بود، اما پس از جنگ جهانی دوم، بر لزوم قیمت‌گذاری گسترده‌تر تأکید کرد (لاگوئردای و ورگارا، ۲۰۰۶، ۵۶۹). به نظر او، شرکت‌های بزرگ، نظم بازار را مختل می‌کنند و دولت باید این اختلال را مهار کند (گالبرایت، ۲۰۰۷، ۱۴۵). بسته به شرایط، بازار یا برنامه‌ریزی دولتی بر یکدیگر ترجیح داده می‌شوند (تفضلی، ۱۴۰۲، ۴۴۲).

از نظر مکتب اقتصادی جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) قیمت‌گذاری دستوری توجیه‌پذیر است. کینز باور دارد که علم اقتصاد ترکیبی از مطالعه اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی است و هرگاه اقتصاد اثباتی کارساز نباشد، به اقتصاد دستوری روی آورده می‌شود (تفضلی،

اشاعره، قیمت‌گذاری را به صورت مطلق در اختیار خداوند می‌دانند (ایچی، ۱۳۲۵، ۸، ۱۷۳؛ تفتازانی، ۱۴۱۲، ۴، ۳۲۰). در برابر، معتزله معتقدند اگر تغییر قیمت ناشی از فعل خداوند باشد، حاکم اسلامی مجاز به دخالت در آن نیست؛ اما اگر نتیجه عمل اشخاص باشد، مانند احتکار، حاکم اسلامی می‌تواند برای جلوگیری از اجحاف بر مردم، اقدام به قیمت‌گذاری کند (قاضی، بی‌تا، ۱۱، ۵۵-۵۷). امامیه نیز در دیدگاهی مشابه، بر این باورند که اگر تغییر قیمت ناشی از خواست الهی باشد، مسلمانان می‌بایست صبر کنند؛ اما اگر ناشی از دخالت عامل انسانی باشد، مسئولیت آن بر عهده خود انسان است (محقق حلی، ۱۳۷۳، ۱۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۰، ۱۱۴؛ علامه حلی، ۱۳۸۲، ۱۴۵). احتمال ارتباط این بحث با مسأله جبر و تفویض نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که پیروان جبر، قیمت‌گذاری کالاها را امری الهی و پیروان نظریه تفویض، آن را امری انسانی می‌دانند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ۱، ۲۴۵).

در منابع روایی سخنانی از پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم نقل شده که ناظر به خاستگاه کلامی مسئله قیمت‌گذاری و مخالفت با آن در مورد احتکار است؛ همچون: «إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ» (قیمت به دست خداوند است، هر زمان بخواهد آن را بالا می‌برد و هر زمان بخواهد پائین می‌آورد.) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۴۳۰)؛ «قِيلَ لِلنَّبِيِّ لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سَعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ؛ فَقَالَ: مَا كُنْتُ لِلْأَلْفَى اللَّهُ بَبْدَعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا» (به پیامبر گفتند: کاش برای ما قیمت کالاها را تعیین می‌کردید، زیرا قیمت‌ها بالا و پائین می‌رود. پیامبر فرمودند: من خداوند را با بدعت‌گذاری و چیزی که از سوی خداوند به من نرسیده، ملاقات

گروهی از اقتصاددانان از قیمت‌گذاری دستوری خدمات و تعیین حداقل دستمزد یا افزایش آن توسط دولت، حمایت کرده‌اند. بر اساس پژوهش‌های انجام شده درباره تأثیر افزایش حداقل دستمزد در نیوجرسی بر رستوران‌های فست فود، برخلاف پیش‌بینی‌های نظریه اقتصادی کلاسیک، افزایش دستمزد، باعث کاهش اشتغال نشده و در نتیجه، ادعای این‌که افزایش حداقل دستمزد به کاهش اشتغال مرتبط است، صحیح به نظر نمی‌رسد (کارد، ۲۰۱۶، ۳۰۷-۳۱۴).

جمع‌بندی: توضیحات گذشته نشان داد که مدافعان قیمت‌گذاری دستوری نیز ناکارآمدی نظام عرضه و تقاضا، لزوم حفظ نظم بازار و جلوگیری از شکاف طبقاتی را علت دخالت دولت در قیمت‌گذاری می‌دانند. مدافعان بازار آزاد، فرآیند بازار را منطقی و قانونی طبیعی می‌دانند که دخالت در آن، موجب برهم خوردن نظم اقتصادی و اجتماعی می‌شود. تجربه عملی نیز نشان داده است که سیاست‌های بازار آزاد به رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها کمک کرده و کشورهای تابع بازار آزاد، وضعیت اقتصادی شکوفاتری نسبت کشورهای تابع قیمت‌گذاری دستوری دارند (بک‌هوس، ۲۰۰۵، ۳۵۵). برخی کشورها همچون چین که وضعیت اقتصادی بسامانی نداشته‌اند با انجام اصلاحات اقتصادی و حمایت از بازار آزاد، به شکوفایی اقتصادی دست یابند (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۲۰۱۲، ۱۵۱-۱۵۳).

۳-۵. قیمت‌گذاری دستوری در فقه اسلامی

تعیین قیمت‌ها (تسعیر) مسئله‌ای کلامی است که فقهای مسلمان بر اساس آن و در بحث فقهی مشروعیت «احتکار» به آن پرداخته‌اند.

۳-۵-۱. خاستگاه: متکلمان مسلمان دیدگاه‌های مختلفی درباره قیمت‌گذاری دارند. اهل حدیث و

برای جلوگیری از ایراد ضرر به فروشنده، قیمت‌گذاری دستوری ممنوع بوده، تعیین قیمت برعهده خود اوست (انصاری، ۱۴۱۵، ۴، ۳۷۳). همچنین بنا به مفاد «قاعده سلطنت بر اموال» (نراقی، ۱۳۷۵، ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲، ۱۹)، محترک به واسطه سلطنت بر اموال خود، مجاز است. کالاهای احتکاری را به قیمت دلخواهش بفروشد. افزون بر این، «تسعیر» و خرید کالا بر اساس قیمت تعیین دستوری که مورد رضایت فروشنده (محترک)، مصداق اکل مال به باطل است که بنا به آیه ۲۹ سوره نساء از آن منع شده‌ایم (محمدی بلبان‌آباد، ۱۳۹۹، ۸۵). شایان یادآوری است، استناد به اجماع برای عدم جواز قیمت‌گذاری دستوری (طوسی، ۱۴۰۷، ۳، ۲۱۲؛ حسینی، ۱۳۸۴، ۲۷۵) موجه به نظر نمی‌رسد، زیرا با وجود روایات، از گونه اجماع مدرکی است که معتبر به حساب نمی‌آید (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۹، ۱۷۱)؛ ضمن آن‌که دیدگاه مخالف نیز میان فقها وجود دارد.

دیدگاه دوم: گروهی از فقهای امامیه بر این باورند که قیمت‌گذاری کالاهای احتکار شده بر عهده حاکم است (فاضل، خدابخشی و عربیان، ۱۳۹۶، ۷۰). طرفداران نظریه قیمت‌گذاری توسط حاکم، به دو گروه تقسیم می‌شوند: یک: حاکم بدون قید و شرط، مجاز به قیمت‌گذاری کالاهای احتکاری است (مفید، ۱۴۱۳، ۶۱۶؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴، ۱۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۹، ۱۲، ۳۶۱؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۴، ۳۷۳). دو: قیمت‌گذاری حاکم فقط در صورتی مجاز است که محترک قیمت کالا را به گونه‌ای تعیین کند که باعث اجحاف بر خریدار شود (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵، ۴۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۱۰؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۰، ۱۶۸؛ خمینی، ۱۳۸۹، ۱، ۵۰؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۲، ۶۶۶). مستند این دیدگاه، چند دلیل است: (۱) وجود برخی از روایات،

نمی‌کنم) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۴۳۱)؛ «وَمَا عَلَيَّ مِنْ غَلَائِهِ إِنْ غَلَا فَهُوَ عَلَيْهِ وَإِنْ رَخِصَ فَهُوَ عَلَيْهِ» (گرانی کالاها بر عهده من نیست، گران یا ارزان شوند بر عهده خداوند است) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۱۸)؛ «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ» (قیمت‌گذار خداوند است) (ترمذی، ۱۹۹۶، ۲، ۵۸۲)؛ «بَلِ اللَّهُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ» (خداوند نرخ‌ها را بالا و پائین می‌برد) (ابوداود، ۱۴۳۰، ۵، ۳۲۱).

فقهای مسلمان، مسئله قیمت‌گذاری دستوری را در ضمن بحث احتکار مطرح کرده‌اند. احتکار در اصطلاح فقهی عبارت است از: «انبار کردن آن دسته از کالاهای خوراکی (گندم، جو، خرما، کشمش، روغن) که مورد نیاز مردم بوده و فروشنده دیگری هم برای آن‌ها نیست» (طوسی، ۱۹۸۰، ۳۷۴). درآمد حاصل از فروش کالاهای احتکار شده، حرام (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲، ۲۵۵) و برخی از فقها نیز آن مکروه دانسته‌اند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۰۴).

۵-۳-۲. موجه‌سازی فقهی قیمت‌گذاری دستوری

فقهای مسلمان در حکم فقهی فروش کالای احتکار شده و قیمت آن، دو دیدگاه دارند:

دیدگاه اول: بنا به نظر مشهور، قیمت‌گذاری برای کالاهای احتکاری جایز نبوده، حاکم فقط می‌تواند بدون تعیین قیمت، محترک را مجبور به فروش کالاهای احتکاری کند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲، ۲۳۹؛ ابن زهره، ۱۴۰۴، ۵۲۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ۲، ۴۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۴، ۴۲؛ ۸؛ عاملی، ۱۴۱۹، ۱۲، ۳۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲، ۴۸۷). از جمله مستندات این دیدگاه، قاعده نفی ضرر است (بجنوردی، ۱۳۹۵، ۱، ۲۰۹)؛ زیرا از یک‌سو، برای جلوگیری از ایراد ضرر به جامعه، محترک مجبور به فروش کالای احتکاری می‌شود و از سوی دیگر،

و عدم ترجیح اجحاف بر مشتری نسبت به اجحاف بر فروشنده است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ۸، ۲۸۸)؛ مگر همچون برخی از فقهای اهل سنت، مدعی شویم دفع ضرر از جمع (مشتریان) بر دفع ضرر از فرد (فروشنده) اولویت دارد (آل بونو، ۱۴۲۴، ۸، ۱۶۶) یا همچون فقهای امامیه بر این باور باشیم که در تعارض دو ضرر، بایستی ضرر اقل را ترجیح داد (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰، ۸، ۱۹۶). (۴) اختصاص روایات مرتبط با منع قیمت‌گذاری دستوری مانند روایت حسین ابن عبیدالله ابن زمره: «أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۴۳۰) به شرایط طبیعی بازار و در نتیجه، جواز قیمت‌گذاری دستوری در شرایط غیرطبیعی، همچون وضعیت احتکار (منتظری، ۱۴۰۹، ۲، ۶۶۴).

جمع‌بندی: با چشم‌پوشی از مسئله وجوب یا عدم وجوب اجبار محکوم به فروش کالاهای احتکاری و دلایل توجیه‌کننده هریک از این دو دیدگاه؛ فقهای امامیه در مسئله قیمت‌گذاری کالا توسط حاکم دو گروه تقسیم می‌شوند: موافقان و مخالفان قیمت‌گذاری دستوری، چه کالاهای احتکاری توسط خود فروشنده به قیمت تعیین شده فروخته شود و چه حاکم عهده‌دار انجام این کار شود. بررسی دلایل و مستندات این دو دیدگاه نشان می‌دهد که عدم قیمت‌گذاری دستوری توسط حاکم از وجاهت فقهی بیشتری برخوردار است، زیرا روایات ناظر بر اجبار محکوم به فروش، دلالت بر جواز اجبار به فروش کالاهای احتکاری به قیمت تعیین شده ندارد، ترجیحی میان ضرر فروشنده محکوم و ضرر خریداران وجود نداشته، احتکار کالا نیز نافی سلطنت مالک بر فروش اموال خود به قیمت دلخواه ندارد (محمدی بلبان‌آباد، ۱۳۹۹، ۹۴؛ حسینی، ۱۳۸۴، ۲۸۴)؛ مگر

همچون، روایت ابن زمره: «أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُخْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ» (پیامبر از میان محکومان عبور کردند و دستور دادند که کالاهای احتکار شده خود را به بازار و در معرض دید مردم قرار دهند) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۴۳۰) که دلالت بر جواز یا لزوم اجبار محکوم به به فروش و عرضه کالاهای احتکاری دارد؛ مگر مدعی شویم رابطه دائمی میان اجبار به فروش و قیمت‌گذاری دستوری وجود ندارد، چنان که برخی فقهاء مدعی‌اند حاکم به جز اجبار به فروش، اختیار دیگری ندارد (طوسی، ۱۹۸۰، ۳۷۴). (۲) بی‌اثر شدن حکم به اجبار محکوم برای فروش کالاهایش، بدون انجام قیمت‌گذاری دستوری (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵، ۴۲)؛ زیرا محکوم فرصت پیدا می‌کند کالایش را به قیمت گزاف بفروشد و مردم با خرید کالا به این قیمت، مورد ظلم قرار می‌گیرند و بدون خرید کالا، هم‌چنان در وضعیت احتکار بوده و مشکل آن‌ها در تأمین نیازهای خوراکیشان برطرف نمی‌شود (محمدی بلبان‌آباد، ۱۳۹۹، ۸۵). مهم‌ترین نقد این استدلال، امکان استفاده از مجازات‌های تنبیهی برای وادار کردن غیرمستقیم محکوم به فروش کالاهای احتکاری بدون دخالت حاکم است (مه‌دیان کرانی و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ۱۲۰-۱۲۱). (۳) تقدم قاعده نفی‌ضرر بر قاعده سلطنت در فرضی که تسلط فرد بر مالش، موجب ضرررسانی به دیگران شود (بجنوردی، ۱۳۹۵، ۱، ۲۴۲)؛ چرا که در فرض احتکار و گران‌فروشی محکوم، بایستی برای جلوگیری از آسیب‌رسانی و اجحاف به مردم، او را مجبور به فروش کالاهای احتکاری به قیمت منصفانه کرد (منتظری، ۱۴۰۹، ۲، ۶۶۶) مهم‌ترین نقد این استدلال، امکان اجحاف به محکوم در صورت اجبار او به فروش کالاهایش

مدعی ترجیح مصلحت جامعه بر مصلحت افراد و لزوم پرهیز از اقدامات برهم‌زننده نظم عمومی در نظام معیشت شویم (دانش‌پور، ۱۳۹۵، ۲۸).

۵-۴. مطالعه تطبیقی اقتصادی-فقهی

بررسی میزان همگرایی آموزه‌های فقهی با نظریه‌های اقتصاددانان، وابسته به واکاوی اهداف قیمت‌گذاری دستوری کالاها توسط حاکم (دولت) در این دو دانش است؛ زیرا موضوع «تسعیر» در فقه اسلامی، قیمت‌گذاری دستوری در کالاهای احتکاری است و گسترش آن از احتکار به سایر مواردی که حاکم (دولت) اقدام به قیمت‌گذاری کالاها می‌کند، مبتنی بر کاربست و عدم کاربست «تنقیح مناط» و یافتن علت یا هدف از تشریح این حکم است.

موافقان قیمت‌گذاری دستوری در علم اقتصاد، هدف این سیاست را جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان و پیش‌گیری از سوءاستفاده عرضه‌کنندگان و برهم زدن تعادل بازار می‌دانند. از دیدگاه آن‌ها، قیمت‌گذاری دستوری، ابزاری برای حمایت از منافع عمومی بوده، از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و ایجاد نابرابری اقتصادی، جلوگیری می‌کند. فقهایی که به جواز تسعیر باور دارند، علت آن را جلوگیری از اجحاف محکوم به خریداران (رهنمون و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۰، ۹۰؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۲، ۶۶۶) و ترجیح ضرر عمومی بر ضرر فردی احتمالی می‌دانند؛ در نتیجه، دخالت دولت در قیمت‌گذاری کالاها، صرف‌نظر از این‌که از ارقام احتکاری باشد یا نباشد، از نظر فقهی امری مشروع به حساب می‌آید. این هم‌سویی نشان می‌دهد که حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تأمین عدالت اجتماعی، هدف از تجویز قیمت‌گذاری دستوری از نگاه فقها و اقتصاددانان است.

در برابر، اقتصاددانان مخالف قیمت‌گذاری دستوری، هدف آن را جلوگیری از به‌هم‌ریختن نظم بازار و ایجاد خلل در سازوکار عرضه و تقاضا، همچنین ضرورت پرهیز دولت از دخالت در قیمت‌گذاری می‌دانند (فون میزس، ۱۹۸۵، ۷۵-۷۸؛ فون هایک، ۱۹۸۲، ۱۲۶-۱۲۸)؛ زیرا نظام بازار آزاد مبتنی بر رقابت سالم و عرضه و تقاضای طبیعی، بهترین سازوکار برای تعیین قیمت‌ها است و دخالت دولت، سبب ناکارآمدی و کمبود در بازار می‌شود (بک‌هوس، ۲۰۰۵، ۳۵۵). تجربه عملی نیز مؤید این ادعاست که اعمال سیاست‌های بازار آزاد به‌جای سیاست‌های دستوری، موجب شکوفایی اقتصادی و رشد پایدار در برخی کشورها شده است (عجم‌وگلو و رابینسون، ۲۰۱۲، ۱۵۱-۱۵۳).

فقهای باورمند به عدم مشروعیت تسعیر، یکی از اهداف خود را پاسداشت مالکیت محکوم برآمده از اطلاق قاعده سلطنت بر مال نسبت به همه شرایط و همه افراد می‌دانند (محمدی بلبان‌آباد، ۱۳۹۹، ۸۶)، ضمن آن‌که تأمین این هدف نتیجه بی‌توجهی به منافع و مصالح عمومی نیست، زیرا عرضه فراوان کالا (اجبار محکوم به فروش کالاهای احتکاری)، منافع مشتریان را تأمین می‌کند، بدون این‌که حاکم در قیمت‌گذاری دخالت کند. دور از ذهن نیست؛ اگر مدعی شویم سخنان پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم در این‌که قیمت‌گذاری به‌دست خداوند است (إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۴۳۰)، ناظر به ضرورت حفظ نظم بازار و تبعیت از قانون عرضه و تقاضا است. بدین ترتیب، هم‌سویی بسیار زیادی میان اقتصاددانان مخالف قیمت‌گذاری دستوری و فقهای مخالف تسعیر، دیده می‌شود، هرچند ادبیات بکار رفته توسط آن‌ها متفاوت است.

۶. نتیجه

پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

قیمت‌گذاری دستوری هرچند از واژگان دانش اقتصاد است، اما فقها از آن با عنوان «تسعیر» در متنون فقهی یاد کرده‌اند. موضوع تسعیر، قیمت‌گذاری درباره مواد خوارکی است که توسط مالک آن احتکار شده و در بازار فروخته نمی‌شود. این واژه در صورت استفاده از «ابزار تنقیح مناط» قابلیت دارد تا از دو سو گسترش مفهومی پیدا کند، هم از نظر شمول‌پذیری نسبت به کالاهای غیر خوراکی و هم نسبت به غیر از زمینه احتکار. بر این اساس، «واگذاری امر غیر قیمت‌گذاری به خداوند» در سخنان رهبران دینی ناظر به واگذاری تعیین قیمت به بازار و پذیرش نظام عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری است و از این جهت همسو با نظر اقتصاددانان مخالفت قیمت‌گذاری می‌باشد. اقتصاددانان موافق قیمت‌گذاری دستوری، هدف خود را جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان و برهم خوردن نظم بازار توسط سودجویان می‌دانند، فقهای موافق با تسعیر نیز با هدف جلوگیری از اجحاف در حق مشتری، حکم به مشروعیت آن کرده‌اند. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، اثبات همگرایی حداکثری میان نظریات فقهی و اقتصادی با استفاده از ادبیات متفاوت است.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین این مقاله مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافی وجود ندارد.

منابع**منابع فارسی**

- ارسطو، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، چاپ دهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۴۰۰.

- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، چاپ نوزدهم، تهران، نشر نی، ۱۴۰۲.

- حسینی، سیدرضا، «قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد»، مجله جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، شماره چهارم، ۱۳۸۴.

- دانش‌پور، افتخار، «بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی»، دوفصلنامه فقه مقارن، شماره هشتم، ۱۳۹۵.

- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

- رهنمون، رئوف و شیخ‌الاسلامی، اسعد، «حمایت از حقوق مصرف‌کننده و قلمرو آن در فقه شافعیان و امامیه»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و چهارم، شماره یکم، ۱۳۹۰.

- سبحانی تبریزی، جعفر و جمعی از محققین، دانش‌نامه کلام اسلامی، جلد یکم، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.

- غنی‌نژاد، موسی، «اقتصاد و دولت در اندیشه کینز»، فصلنامه فرهنگ اندیشه، شماره دوم، ۱۳۸۰.

- فاضل، محمدصادق، خدابخشی، حسن و عربیان، اصغر، «حکم فقهی قیمت‌گذاری در

- ایجی، عبد الرحمان بن احمد، شرح
المواقف، جلد هشتم، قم، الشریف الرضی،
۱۳۲۵.

- بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه. جلد
یکم، قم، دلیل ما، ۱۳۹۵.

- ترمذی، ابوعیسی بن محمد، الجامع
الکبیر، جلد دوم، بیروت، دارالغرب الاسلامی،
۱۹۹۶.

- تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد،
جلد چهارم، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل
الشیعۀ إلى تحصیل مسائل الشریعۀ، جلد
هفدهم، قم، مؤسسۀ آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.

- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد
یکم، قم، دارالعلم، ۱۳۸۹.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات
ألفاظ القرآن، جلد دوم، بیروت، دار القلم،
۱۴۱۲.

- زارعی سبزواری، عباسعلی، القواعد الفقهیه
فی فقه الإمامیه، جلد هشتم، قم، انتشارات
اسلامی، ۱۴۳۰.

- سبحانی تبریزی، جعفر، الموجز فی اصول
الفقه، چاپ چهاردهم، قم، مؤسسۀ امام
صادق (ع)، ۱۴۲۹.

- سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز، المراسم
فی الفقه الإمامی، قم، منشورات الحرمین،
۱۴۰۴.

بازار اسلامی»، مجله مبانی فقهی حقوق
اسلامی، شماره بیستم، ۱۳۹۶.

- محمدی بلبان اباد، فراست، «بررسی قیمت
دستوری در فقه اسلامی»، دوفصلنامه فقه
حکومتی، شماره نهم، ۱۳۹۹.

- مهدیان کرانی، افسانه و موسوی بجنوردی،
سیدمحمد، «احتکار با رویکردی بر ارای امام
خمینی»، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی،
شماره سیزدهم، ۱۳۹۳.

منابع عربی

- آل بورنو، محمد صدقی، موسوعه القواعد
الفقهیه، جلد هشتم، بیروت، مؤسسۀ الرسالة،
۱۴۲۴.

- ابن زهره، حمزه بن علی، الجوامع الفقهیه،
قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)،
۱۴۰۴.

- ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر
الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد دوم، قم،
انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰.

- ابن حمزه، محمد بن علی، الوسیله إلى نیل
الفضیلة. قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
(ره)، ۱۴۰۸.

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، المقتصر
من شرح المختصر، مشهد، مجمع البحوث
الإسلامیة، ۱۴۱۰.

- ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود،
جلد پنجم، بیروت، دار الرسالة العالمیة،
۱۴۳۰.

- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، جلد
چهارم، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۵.

- شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، جلد یکم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، جلد پنجم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
- طباطبایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، جلد هشتم، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۸.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲.
- طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، اصفهان، مکتبه چهل ستون العامه و مدرستها، ۱۴۰۰.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، جلد دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، جلد یکم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۹۸۰.
- قاضی، عبدالجبار بن احمد، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، جلد یازدهم، بی جا، بی نا، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، جلد دوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۳۷۳.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، جلد دوم، تهران، مکتبه المرتضویة، ۱۳۷۸.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد چهارم، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴.
- عاملی، محمدجواد بن محمد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، جلد دوازدهم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، جلد دوم، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۰.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، جلد دوم، مشهد، مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۰.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد یکم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۳۲.

- Dworzak, Piotr, Scott Duke Kominers, and Mohammad Akbarpour. "Redistribution Through Markets." *Econometrica*, No 89, 2021.

-Friedman, Milton, *Capitalism and Freedom*. Chicago, University of Chicago Press, 2002.

- Galbraith, John Kenneth, *The New Industrial State*. 1st Princeton ed, Princeton, Princeton University Press, 2007.

- Hayek, Friedrich A. von, *Law, Legislation and Liberty*, Cornwall, Routledge, 1982.

- Hayek, Friedrich A. von, *The Road to Serfdom*, Chicago, University of Chicago Press, 2007.

- Laguerodie, Stephanie, and Francisco Vergara. "The Theory of Price Controls: John Kenneth Galbraith's Contribution." *Review of Political Economy*, No 20, 2008.

-Mankiw, N. Gregory, *Principles of Economics*, 6th ed, Mason, South-Western Cengage Learning, 2012.

- Marshall, Alfred, *Principles of Economics*, London, Macmillan, 1961.

- Marx, Karl, and Friedrich Engels. *The Communist Manifesto*. Trans. Samuel Moore. New York, Oxford University Press, 1998.

- McConnell, Campbell R., Stanley L. Brue, and Sean Masaki Flynn. *Economics: Principles, Problems, and Policies*, New York, McGraw-Hill Education, 2009.

- منتظري، حسينعلي، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، جلد دوم، قم، المركز العالمي للدراسات الإسلامية، ١٤٠٩.

- نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرايع الإسلام، جلد بيست و دوم، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٤.

- نراقي، احمد بن محمد مهدي، عوائد الأيام، قم، انتشارات اسلامي، ١٣٧٥.

منابع انگليسي

- Acemoglu, Daron, and James A. Robinson, *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity and Poverty*, New York, Crown Publishers, 2012.

- Backhouse, Roger E. "The Rise of Free Market Economics: Economists and the Role of the State since 1970." *History of Political Economy*. No 37. 2005.

- Bloise, Gaetano. "A Remark on the Fiscal Theory of Price Determination." *Journal of Mathematical Economics*, No 41, 2005.

- Brogan, Hugh, "Government." *Britanica* 2024: n. pag. Web.

- Card, David E, *Myth and Measurement: The New Economics of the Minimum Wage*, Twentieth-anniversary edition, Princeton, Princeton University Press, 2016.

- Deardorff, Alan, *Terms of Trade: Glossary of International Economics*. Online Version: Deardorffs' Glossary of International Economics, 2006.

- Pigou, Arthur. The Political Economy of War, London, Macmillan, 1941.

-Schindler, Robert. Pricing Strategies, A Marketing Approach, California, Sage Publications, Inc, 2012.

- Smith, Adam. The Wealth of Nations, Vol 1, Oxford, Clarendon Press, 1776.

- Von Mises, Ludwig. Liberalism In The Classical Tradition. Trans. Ralph Raico. San Francisco, Cobden Press, 1985.

